

برنامه ماه می 2014

ار دیهشت ماه 1393

بخش نخست: "20 سال انتشار دفتر هنر"

سخنرانان: تقی مختار

فریدون فرح اندوز

محسن صبا

بخش دوم: اجرای موسیقی

استاد نادر مجد

و یا حضور:

ناصر طهماسبی و بیژن اسدی پور

زمان-شنبه 10 ماه می 2014

گرد همانی ساعت 6:00 بعد از ظهر

(پذیرانی- جای-قهوه-شیرینی)

(سندوبج برای فروش عرضه می شود)

*

شروع سخنرانی ساعت 6:30

Montgomery college-Rockville
TC (Technical Center) Room#136

51 Mannakee Street
Rockville, MD 20850

Direction: from 355 (Hungerford Drive)

Take N. Campus Drive, Park at Lot #9 (Across from Technical Center)
From 270 take exit 6A to Nelson St., down to Montgomery college

تلفن اطلاعات: 202-280-8907

Damavand Cultural Foundation
P.O. Box: 4184
Rockville, MD. 20849

ارج داشت 20 سال انتشار "دفتر هنر" بیژن اسدی پور در بنیاد فرهنگی دماوند

برنامه شماره 20

برنامه ماه می بنیاد فرهنگی دماوند به ارج داشت کار بیژن اسدی پور در انتشار 20 شماره "دفتر هنر" اختصاص داشت که عصر شنبه 10 می در مونتگمری کالج برگزار شد. در این برنامه چند تن از دست اندرکاران فرهنگ ایران درباره ویژگی های چند ساحتی نشریه "دفتر هنر" سخن گفتند. پس از خوشامد گفتن آقای پرویز آبادی از طرف هیئت مدیره بنیاد، و معرفی برنامه توسط آقای دکتر میر مظفری، آقای فریدون فرح اندوز نخستین سخنران جلسه گفت:

آشنایی من با بیژن اسدی پور از زمانی صورت گرفت که او تصمیم گرفت که یک ضمیمه صوتی نیز بر متن نوشتاری مجله بیفزاید. این کار با شماره 17 دفتر هنر درباره قمر ملوک وزیری انجام گرفت. در واقع از این زمان دفتر هنر اضافه بر مقالات چند وجهی و تصویرهای تماشایی، یک بُعد شنیداری هم به خود گرفت که صدای من نیز در آن نقش داشت. دست اندرکاران تولیدات فرهنگی خارج از کشور می دانند که این کار چقدر دشوار و بی پشوانه است. فقط عشق و تلاش بی وقفه سامان بخش این نوع کارهای فرهنگی است. من برای معرفی شخصیت فروتن و مهربان بیژن اسدی پور عبارتی بهتر از "یکی از شریفترین افراد وطن" نمی شناسم. آقای فرح اندوز نگاه اقول صاحب نظران گفت: بیژن با قلم خود طنز و تسخرزدن به این جهان برگزیده است. او همراه با جهان گام بر می دارد، با اینهمه او در این جهان غریب است هرچند غریبه نیست. از خط و رسم او طنز و اندوه هر دو می بارد. آقای فرح اندوز در پایان بخشی از مقاله فکاهی بیژن را در زمینه محیط بسیار آزاد امریکا که مساعد برای انتشار هرگونه مجله ای ست، قرائت کرد.

سخنران دوم آقای تقی مختار گفت: بیژن اسدی پور طراح است نه کاریکاتوریست. او طرح ساز بزرگی ست. فرق بین طرح با کاریکاتور در این است که کاریکاتور به رویه بیرونی اشیاء، آدم ها و موضوعات می پردازد، در حالی که طرح به درون قضایا می رود و تصویرهایی جلوی چشم ما می گذارد که ما را به تفکر وامی دارد. همین تفاوت بین طنز و فکاهه نیزهست. طنز می تواند تلخ و گزنده باشد که ریشخند یا زهرخندی با خود داشته باشد، بهر حال طنز از درون مسایل نکته ای به بار می آورد. اما فکاهه شبیه چوک است که فقط برای مطایبه و طیب خاطرشنونده خوب است. من و بیژن از بسیاری جهات شبیه هم هستیم. هر دو با اختلاف هشت ماه در دو شهرستان کوچک متولد شدیم و در تهران به مدرسه رفتیم و کار مطبوعاتی را از دوره دبیرستان شروع کردیم. او به کار طراحی و طنز پرداخت و من به کار نقد فیلم و تا حدی بازیگری. او انتشارات نمونه را در تهران به راه انداخت که دنباله آن به امریکا کشیده شد.

آقای تقی مختار آنگاه با اشاره به چندساحتی دفتر هنر که از یک شخصیت با چند چهره و با زبان چندین راوی سخن می گوید گفت: من هم در کار مطبوعاتی خود تجربه مشابهی با سردبیر مجله معروف "زن روز" در دهه 1350 داشتم. مجید دوامی که مدت ها سردبیر اطلاعات هفتگی بود در این زمان سردبیری "زن روز" به عهده داشت، و توانسته بود بیشترین تیراژ را برای این نشریه بیاورد و سرآمد نشریات زمان شود. او روزی از من خواست که برای "زن روز" نقد فیلم بنویسم و من هم پذیرفتم. اما او افزود که در این نقد نظریات نویسنده را نمی خواهد بلکه می خواهد ببیند نظر مردم راجع به فیلم چیست و چرا آنرا دوست داشتند یا بدشان آمد. من حرف او و کار را - که حقوق خوب داشت - قبول نکردم، اما مثالی که مجید دوامی برای توجیه حرف خود زد، در گوشم ماند. او گفت: "فرض کن پدرت مشغول آب دادن به گله در باغچه است که پستیچی ضمن کاغذها نشریه "سخن" را می آورد. او "سخن" آنجا نمی خواند، می گذارد روی طاغچه که سرفرصتی (که کم روی می دهد) بخواند. اما همین وقت روزنامه چی "کیهان" را بیاورد او فوراً رؤوس اخبار را در همان باغچه می خواند. حالا تو می خواهی نوشته ات باغچه ای باشد یا طاغچه ای؟" البته نشر باغچه ای ممکن است نویسنده را آبرومند نکند اما مسلماً به نوا می رساند. کار بیژن اسدی پور هیچ وقت باغچه ای نبود اما همیشه بازتابنده دیدها و نگاه ها گونه گون بود.

مهمترین کار بیژن انتشار "دفتر هنر" در 20 سال اخیر است. پس از انقلاب "گذشته گشتی" در ایران رسم شد. گویا تاریخ گذشته و همه دستاوردهایش بر باد رفته اند. در این زمان بود که بیژن دست به جمع آوری مطلب راجع به چهره شاخص گذشته چون جمالزاده، صادق هدایت، احمد شاملو و بهروز وثوقی زد. امروز ما شرح کارهای مثلاً بهروز وثوقی را از زبان مسعود کیمیایی (که نخستین معرفی کننده هنر بهروز وثوقی بود) نمی شنویم، بلکه باید به "دفتر هنر" مراجعه کنیم. این را هم اضافه کنم که بهترین تشویق از بیژن خریدن و خواندن کارهایش است. از برابر کارهایی که ارزش هنری دارند بی تفاوت رد نشویم.

آقای دکتر محسن صبا آخرین سخنران جلسه ضمن بیانات خود گفت: بیژن اسدی چندی پیش به من گفت: "بد نیست گاهی انتقادی از من بکنید" این حرف نشان می دهد که محیط هنری و ادبی ما هنوز چقدر نسبت به کارهایی از این دست بی تفاوت است. از ویژگی های بیژن اول از همه پشتکار است. کسی باید عاشق یا مجنون باشد که کاری چنین سترگ را رو راست کند. دوم از لابلای طنز با مردم حرف زدن که واقعاً کاری ست کارستان. سوم شخصیت بیژن است که هرگز دست نیاز به سوبی دراز نکرده و نمی کند. جز اینکه نشریه اش خریده و خواننده شود توقعی ندارد. من از نزدیک با مشکلات کار بیژن آشنا هستم. من دیدم که چگونه احمد شاملو سر بیژن غر می زد که مبادا شعر او را در کنار آگهی توالنت فرنگی چاپ کند. بیژن با چه مکافاتی توانست از ابراهیم گلستان راجع به داستان های صادق چوبک مطلب بگیرد. چون چوبک خواسته بود که گلستان نسبت به کار او اظهار نظر کند.